



جنگ روایت‌ها

معرفی کتاب «رسانه‌های مغرض: یا چگونه رسانه به ما می‌آموزد عاشق سانسور باشیم و از روزنامه‌نگاری متنفر.»
پرفروش‌ترین کتاب «یواس ای تودی» در سال ۲۰۲۱

الهام اسماعیلی
نویسنده

در نمایشگاه کتاب امسال، در سالن عمومی دنبال یک ناشر خاص می‌گشتم و با آن وضع قرار گرفتن ناشرها کنار هم، به صورت نامنظم، کلافه شده بودم. با گوگل کردن اسم ناشر متوجه شدم در نمایشگاه حضور ندارد. خواستم از سالن خارج شوم که چشمم به یک میز کوچک و دو آقای محترم که پشت میز نشسته بودند افتاد. بی‌توجه به عابرن با جدیت در حال صحبت با یکدیگر بودند. سمت میز رفتم تا کتاب‌ها را ببینم که چندتایی برایم آشنا آمد. تازگی‌ها دو تا از کتاب‌هایشان را هدیه داده بودم. یکی از آقایان برای ما بلند شد و خوش آمد گفت. عنوان یکی از کتاب‌ها جالب بود، به نظرم مطابق میل آقا جمهوری اسلامی بود. «رسانه‌های مغرض: یا چگونه رسانه به ما می‌آموزد عاشق سانسور باشیم و از روزنامه‌نگاری متنفر.» پرفروش‌ترین کتاب «یواس ای تودی» در سال ۲۰۲۱. کتاب نوشته شریل انکیسون است. واشنگتن پست درباره او این‌طور می‌نویسد: «او صدای دائمی شک و تردید رسانه‌های خبری درباره داستان‌های دولت است.» کتاب را خریدم. ما زیاد شنیدیم که رسانه‌های غربی و معاند، اهل خیرسازی و پنهان کردن واقعیت یا به عبارتی سانسور حقیقت هستند. گاهی هم از شنیدن این حرف‌ها خسته شدیم و دلمان یک نگاه تازه خواسته است. شنیدن و خواندن این ایده از زبان یک امریکایی برایم هیجان‌انگیز بود. در این کتاب، او از قدرت روایت‌ها می‌نویسد. از روایت‌های غالبی که رسانه‌ها متناسب با منافع قدرت می‌سازند و همه چیز در خدمت این روایت‌ها قرار می‌گیرد. خبر در این بین می‌میرد. او در این کتاب پدیده مرگ خبر را نشان می‌دهد. آن را نه یک قتل بلکه خودکشی خود خبرنگاران می‌داند و سلاح قتل هم پناه بردن به روایت است. خبرنگار، خبری جعلی، نادرست و غیر واقع‌بینانه را شیوع می‌دهد، فقط برای اینکه لازم است منافع عده‌ای سرمایه‌دار تأمین شود و افکار عمومی با این روایت‌سازی اقناع و به سمت آنچه قدرتمندان می‌خواهند هدایت شود. در بخشی از کتاب او شروع کارش را این‌طور بیان می‌کند: «پادم می‌آید نخستین باری که با گوشت و پوستم این استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها را لمس کردم. در سی بی‌اس خبرنگار بودم. آن زمان طیف وسیعی از سوزها را دنبال می‌کردم. یادآوری آن روزها سخت است. روزهایی که جقدر متعجب بودم از ترور شخصیت، حمله به گزارش‌های واقعی، ارائه گزارش‌های نادرست و تلاش برای خاموش کردن تمامی خطوط فکری. البته آن زمان نمی‌فهمیدم چه چیزی باعث این رفتارها می‌شود. فقط می‌دانستم که این پاسخ‌های سازمان یافته به اخباری خاص، منطقی نیست. این است که شروع کردم به بررسی جزئی‌تر اتفاقات. دیدم که برای مثال تاکتیک‌هایی که منافع شرکت‌های داروسازی و شرکت‌های روابط عمومی برای مدیریت بحران دنبال می‌کنند، از سوی گروه‌های سیاسی و غیرانتفاعی دیگر پیگیری می‌شود. در برخی موارد موفق هم می‌شدند. آنها می‌توانند بحث‌های عمومی را کاملاً به سود خود منحرف کنند و «حقیقت» را آن گونه‌ای به نمایش بگذارند که هیچ حرفی در آن نباشد. البته من بخشی از افکار عمومی را دیده‌ام که اتفاقاً آگاهند و به این سادگی هر گزاره‌ای را قبول نمی‌کنند. یعنی تفکری مستقل دارند اگر این کتاب را می‌خوانید، احتمالاً شما هم جزو همان افراد هستید یعنی کسانی که دریافته‌اید دارد چه اتفاقی می‌افتد. اما بقیه چطور؟ آیا پراحتی با منافع و مقاصد پروپاگاندا همراهی می‌کنند؟»

این کتاب، سومین کتاب انکیسون در حوزه خبر و رسانه است. او در این کتاب در ۱۲ فصل با ارائه نمونه‌های واقعی از روایت‌سازی شبکه‌های معروف خبری از جمله سی بی‌اس، سی ان ای، نیویورک تایمز، از شخصیت عجیب ترامپ به عنوان یک رسانه پرده برمی‌دارد. ماجراهای خبرساز در چند سال گذشته را از زاویه دیگری برای ما تعریف می‌کند و آرزو

می‌کند خبرنگارانی با تفکر مستقل در خبرگزاری‌ها فعالیت کنند. در اصل، او خبرنگارها و مدرسه خبرنگاری را مقصر این شرایط می‌داند: «بیشتر ما یک خط داستانی درباره خودمان داریم. چه سیاستمدار باشیم چه آدمی عادی برای تعریف کردن قصه خود، اطلاعاتی گزینشی را انتخاب می‌کنیم تا روایتی دلخواه از خویش ارائه دهیم. کمی شبیه این است که بخوایم کارزارهای برندسازی شخصی را پیش ببریم. ما این‌گونه از خودمان روایتی دلخواه می‌سازیم، حال چه متوجه آن باشیم چه نباشیم. بویژه اینکه امروزه در عصر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی ما رسانه‌هایی در اختیار داریم که هفت روز هفته و به شکلی ۲۴ ساعته می‌توانند در خدمت روایت مد نظر ما باشند. اما قرار نیست خبرنگاران چنین کاری بکنند. هدف ما باید مقاومت در برابر پیگیری گزارش‌هایی باشد که دارند کورکورانه خط روایت حاکم را دنبال می‌کنند. باید داده‌ها و اظهارنظرها را به دقت موشکافی کنیم و مطمئن شویم که در حال جمع‌آوری اطلاعات از منابع مستقل هستیم. یعنی به جای اینکه روایت‌های موجود را به شکلی دیگر فقط دسته‌بندی کنیم، باید با رویکردی عمیق‌تر نشان دهیم چه کسانی و چرا می‌خواهند که ما پیگیر این روایت باشیم و این‌طور ببیندیم. وظیفه ما به عنوان روزنامه‌نگار این است که با دوندگی بسیار درباره موضوع‌های مورد علاقه مردم گزارش بنویسیم نه اینکه از روی دست هم کپی کنیم. تازه آن هم بر اساس منافع عده‌ای خاص که مدام خواسته‌هایشان را در

مخلوط کنی؟! این در حالی است که این روزنامه‌نگاران قدیمی تأکید می‌کردند زمانی اظهار نظر خبرنگار در گزارش قابل قبول است که بر اساس داده‌های واقعی باشد. از نظر ما روزنامه‌نگارهای قدیمی نباید نظر خبرنگار با خبر در آمیزد، اما این کار به روندی مرسوم و طبیعی تبدیل شده است. برخی گزارشگران تازه کار فکر می‌کنند، وظیفه‌شان این است که شما را مجاب کنند تا به آنچه آنان باور دارند، ایمان بیاورید. این جور گزارشگرها نه به اصل ماجرا نگاهی می‌اندازند نه درباره‌اش جست‌وجو می‌کنند و نه می‌خواهند روایتی خلاف آنچه گفته‌اند شنیده شود. یعنی آن‌طور که مایلند و باور دارند، گزارش‌های خبری را می‌چرخانند و داده‌هایی که با روایتشان در تعارض باشد حذف می‌کنند. آنها از روی دست دیگر گزارشگران رسانه‌های شبه‌خبری روابط عمومی‌ها و حرف‌های سیاستمداران کپی می‌کنند. منابع آنان کسانی هستند که از جا افتادن یک روایت خاص منافع زیادی می‌برند. این گزارشگرها موضع یکجانبه خود را با استناد به این ترفند پروپاگاندا توجیه می‌کنند که وقتی می‌دانیم و روشن است حق با کدام سمت است نیازی نیست اظهارنظر هر دو سمت قصه را بیاوریم. همه اینها باعث می‌شود تا کار روزنامه‌نگارانی که تفکری مستقل دارند، سخت شود. از طرف دیگر کارهای خوب در بحر گزارش‌های کلیک‌خور، قابل پیش‌بینی، جانبدارانه و کشمکش محور گم می‌شود. روزنامه‌نگاران خوب هم با مدیرانی مواجه می‌شوند که بیش از پوشش واقعیت‌ها دغدغه دیده شدن



داشت که خوردنشان، دستگاه گوارش را به زحمت می‌اندازد؛ اما به طور کلی گونه‌های کپک را به سه دسته حساسیت‌زا، بیماری‌زا یا مسموم‌کننده طبقه‌بندی کرده‌اند. در گونه حساسیت‌زا، هاگ‌های منتشر شده در فضا توسط کپک‌ها ممکن است باعث ایجاد آلرژی و حساسیت کند. انواع مختلف این نوع قارچ‌ها روی دیوارها، چوب و مواد مرطوب خانه رشد می‌کنند. یکی از گونه‌هایی که در مواد غذایی رشد می‌کند و ممکن است باعث حساسیت افراد حساس شود، پنیسیلیوم است که از آن در تولید داروی آنتی‌بیوتیک بهره می‌برند. به طور معمولی این کپک باعث بیماری نمی‌شود. بعضی از کپک‌ها حتی با وجود سیستم ایمنی بدن ما، ممکن است باعث بیماری و عفونت شوند که رایج‌ترین این بیماری‌ها، عفونت‌های ریوی است. این قارچ‌ها معمولاً بیمارستان‌ها پیدا می‌شوند. کپک‌های سمی یا مسموم‌کننده نوع خطرناکی از کپک‌ها هستند که با تولید مولکول‌های مایکوتوکسین باعث ایجاد

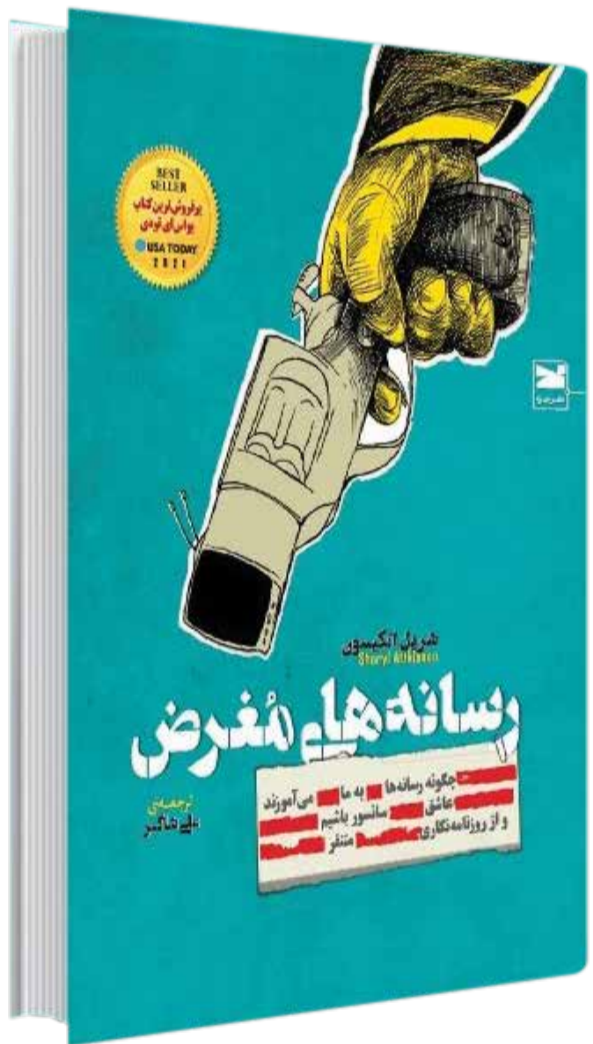
مسمومیت می‌شوند. این نمونه را روی میوه‌ها، نان و... می‌توانید مشاهده کنید. از مهم‌ترین انواع مایکوتوکسین‌هایی که ممکن است در میوه‌ها تولید شود، پاتولین، آفلاتوکسین، اوکراتوکسین و سموم آلترناریا است. برای مثال سیب از میوه‌های مستعد تولید سم پاتولین است که سم بسیار خطرناکی است. جالب است بدانید سمی مانند پاتولین حتی در شرایط تولید برخی فرآورده‌ها، طی فرایندهای حرارتی مانند پاستوریزه کردن (در تولید کمپوت یا آیمپوه و غیره) به مقدار کمی آسیب می‌بیند زیرا وجود شکر در این محصولات روی پاتولین اثرات حفاظتی دارد. پس میوه‌های آسیب‌دیده و خراب‌شده را آیمپوه نکنید و در هنگام خرید دقت کافی و واقعی را در انتخاب میوه به خرج دهید. با توجه به رطوبت دوست بودن این موجودات، امکان رشد آنها در مکان‌های دیگر خانه نیز هست؛ برای مثال حمام و ظرفشویی آشپزخانه و حتی ماشین لباسشویی؛ پس با شناختن این میهمان ناخوانده مراقب سلامتی خود باشیم.



کپک یک نوع قارچ است که عمدتاً به صورت لکه‌های ریز و کلونی‌های دایره‌ای شکل، با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف (عمدتاً سبز، سیاه، سفید و پشمکی) خودنمایی می‌کند



«به نظرم اشتباه‌های بیشتر خبرنگاران زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی تصمیم خود را درباره یک ماجرا بگیرد و همه جزئیات را در خدمت اثبات وقوع آن درآورد. اینجاست که اگر داده‌ای اصلی و تصمیم نهایی آنان باشد، آن را کنار می‌گذارند. این دیگر اسمش کار خبری نیست»



دارند. حالا به هر قیمتی یا از خبرنگاران می‌خواهند پیگیر یک روایت خاص باشند. یکی از مدیران ارشد خبری در مصاحبه با من گفت: «به نظرم اشتباه‌های بیشتر خبرنگاران زمانی اتفاق می‌افتد که شخصی تصمیم خود را درباره یک ماجرا بگیرد و همه جزئیات را در خدمت اثبات وقوع آن درآورد. اینجاست که اگر داده‌ای خلاف ایده اصلی و تصمیم نهایی آنان باشد، آن را کنار می‌گذارند. این دیگر اسمش کار خبری نیست.» خواندن این کتاب برای هر کس که می‌خواهد مستقل فکر کند و آزاداندیش باشد، توصیه می‌شود. به نظرم هدیه مناسبی برای خبرنگاران در روز خبرنگار خواهد بود. کتاب را نشر خزه با ترجمه علی شاکر، دانش آموخته ارتباطات علامه طباطبایی، در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است.

گوش‌مان ززمه می‌کنند.» «در بیشتر مواقع ما در رسانه‌ها از بین روایت‌هایی که پیش روی خود داریم یکی را انتخاب می‌کنیم و پیش می‌بریم. خیلی هم ساده و سراسرت. نمی‌دانم باور می‌کنید یا نه، ولی برخی مدارس روزنامه‌نگاری حتی به دانشجویان این کار را آموزش می‌دهند. یعنی این مفهوم را توی ذهن گزارشگران آینده فرو می‌کنند که جانبداری در خبر، یک ارزش است و وظیفه ما به عنوان خبرنگار همین است.» «یکی از روزنامه‌نگاران برنده جایزه پولیتزر می‌گفت: زمانی خبرنگار شبکه‌ای غیرانتفاعی بوده در ایمیل‌های درون سازمانی بحثی در می‌گیرد درباره نحوه نگارش گزارش‌ها. او با تعجب می‌گفت که چرا همکاران قدیمی و با سابقه‌اش در شبکه به شیوه روایت او معترضند و می‌گویند نباید نظر خودت را با خبر